

مشتابه يك الگو

بادين در سياست خارجى آمريكاست

برای اسرائیل در درگیری با غزه باعث سرکوب آزادی بیان در خانه شده است. لنز داخلی همچنین نمی‌تواند تمایل واضح دولت برای خروج از اوکراین را نشان دهد.

▼ بازگشت به دور اول ریاست جمهوری

الگوی سوم ممکن است توضیح دهد که سیاست خارجی ترامپ از ما می‌خواهد تا نگاهی به دور اول ریاست جمهوری‌اش ببندازیم. البته این نظر جمعی در میان جمهوری‌خواهان کنگره و دیپلمات‌های ساکن واشنگتن‌دی‌سی است که استدلال می‌کنند که (همانند دولت اول ترامپ، از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰) هرج و مرج‌های ماه‌های اول به‌زودی جای خود را به دولت عمدتاً متعارف جمهوری‌خواه خواهد داد. چنین دولتی ممکن است المان‌هایی از رفتار منحصر‌به‌فرد ترامپ را داشته باشد اما

عمداً اولویت‌های سیاست خارجی جمهوری‌خواهان را پیگیری می‌کند که از زمان جورج دبلیو بوش آغاز شد و بر استقلال، یک‌جانبه‌گرایی و قدرت نظامی جنگ‌طلبانه تأکید دارد.

در نهایت، استراتژی امنیت ملی دولت اول ترامپ نسبتاً متعارف بود؛ کارکنان او عمدتاً سرسپردگانش بودند. نشست‌های ترامپ با کیم جونگ اون، دیکتاتور کره شمالی و علاقه‌وافر او به اعلام برنامه‌های سیاست خارجی‌اش با توثیت قطعاً‌دوران هیجان‌انگیزی را ایجاد کرد اما سیاست خارجی دور اول در مقیاس کلان به‌طور قابل‌توجهی با وضع موجود تفاوتی ندارد. برخی استدلال می‌کنند که این دولت حقیقتاً به سمت نوعی از ترکیب «ترامپ-ریگان» پیش می‌رود که حزب را کمی با سلیقه ترامپ همسو می‌کند و درعین حال اکثر گرایش‌های سنتی سیاست خارجی ریگانیسم را هم حفظ می‌کند.

بسیاری از انحرافات رادیکال‌تر از روال جمهوری‌خواهان در ۱۰۰ روز اول را می‌توان صرفاً با مقصر دانستن شخصیت ترامپ در این الگو جای داد. به‌عنوان مثال ارتباط با روسیه را می‌توان با تمایلات منحصر‌به‌فرد ترامپ که با قدرتمردان شخصاً مذاکره می‌کند و شاید تمایل او برای دریافت یک جایزه نوبل صلح، توضیح داد. اما مثل دفعه قبل، بسیاری از الیت‌های جمهوری‌خواه تصور می‌کنند واضح است که او نمی‌تواند به‌سرعت به یک توافق صلح برسد و ترامپ در قبال اوکراین و به‌طور کلی‌تر در سیاست خارجی به رویکردی متعارف‌تر قانع خواهد شد.

اما تناقض‌ها در این تئوری هم واضح‌اند. اسرائیل را در نظر بگیرید که حمایت بی‌پروا از آن همچنان به‌عنوان قاعده‌ای در سیاست خارجی محافل سنتی جمهوری‌خواهان باقی می‌ماند. این دولت توانسته اعطای چک سفید در حمایت صریح از اسرائیل را با دیگر اولویت‌های ترامپ تطبیق دهد مثل گسترش و توسعه پیمان آبراهام که به‌دلیل جنگ غزه به بن‌بست رسیده است. جی‌دی‌ونس علناً استدلال کرده که ایالات متحده آمریکا هیچ تمایلی به جنگ با ایران ندارد. طبق گزارش‌ها ترامپ به نوبه خود از تمایل بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران حمایت نکرده است.

این مواضع و خیلی‌های دیگر با مواضع جنگ‌طلبان سنتی‌تر جمهوری‌خواه در کنگره تناقض دارند که معتقدند ایالات متحده باید در حمله اسرائیل به برنامه هسته‌ای ایران کمک کند، ارسال تسلیحات به اوکراین را ادامه دهد و شبکه وسیع و گسترده تعهدات متحدان خود را حفظ کند. سناتور میچ مک‌کانل، رهبر پیشین سنا که یکی از جنگ‌طلبان تند و تیز است، حتی به البریج کولبسی، یکی از گزینه‌های اصلی ترامپ برای پنتاگون رای نداد. دیگر جمهوری‌خواهان کنگره به‌طور ضمنی اعلام کردند که کولبی تمایلی به حمایت از جنگ با ایران را ندارد. اگر این دولت نماینده ترکیب جمهوری‌خواهان سنتی ترامپ-ریگان است که هنوز دیده نمی‌شود.

▼ زورآزمایی سیاست خارجی جمهوری‌خواهان

تمام این کشمکش‌ها ما را به الگوی چهارم و آخر برای درک دولت ترامپ می‌رساند: هرج و مرجی که می‌بینیم نتیجه دعوای داخلی جمهوری‌خواهان بر سر سیاست خارجی است. از یک طرف ظهور شاخه ملی‌گرا و حامی تولید داخلی از این حزب را می‌بینیم که به‌طور فزاینده‌ای بر چین متمرکز است و با اینکه انزواطلب نیست اما قطعاً نتومحافظه‌کار هم نیست. این امر در وزارت دفاع، در

در دور قبلی، بسیاری از بحران‌های اصلی تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی

بعد از این ۱۰۰ روز اتفاق افتادند و به دلایل متعددی هنوز خیلی زود است که بگوییم مسیر سیاست خارجی دولت به کجا می‌رود یا دیگر بازیگران مثل کنگره و دادگاه‌ها، برخی از زیاده‌روی‌هایی که در چند هفته گذشته حدی مهار می‌کنند.

البته، مهم‌ترین مولفه سیاست خارجی ممکن است این باشد که الیت‌های سیاست خارجی جمهوری‌خواه می‌توانند ترامپ را به سمت تمایلات خود

بچرخانند یا اینکه برعکس، او خواسته خود را بر آنها تحمیل کند. به همین دلیل، توصیف دکترین ترامپ تاکنون غیرممکن است

پنجشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۴
سال چهارم - شماره ۷۸۰

www.hammihanonline.ir

اطرافیان معاون رئیس‌جمهور و حتی در ماسک و میان گروه سیلیکون‌ولی که در دولت حضور دارند، به‌خوبی نمایان است.

از سوی دیگر گروهی از جمهوری‌خواهان جهان‌گراتر، سنتی‌تر و جنگ‌طلب‌تر قرار دارند که می‌خواهند دولت را به‌سمت تمایلات خود بازگردانند (مثل مارکو روبیو، وزیر امور خارجه یا مایک والتز که تا همین چند روز پیش سمت مشاور امنیت ملی را برعهده داشت). غرایز ترامپ در ظاهر به سمت گروه اول است اما همانگونه که در دولت اول او متوجه شدیم، می‌توان او را تحریک کرد. اگر این الگو دقیق باشد، پس سردرگمی و آشفتگی سیاست خارجی ترامپی تا حدی به دلیل اختلاف بین جناح‌ها در داخل دولت در رقابت بر سر انتصاب‌ها و نفوذ بر سیاست است.

مسائلی که این گروه بر سر آنها اختلاف دارند کوچک نیستند، آنها اساساً بر سر روسیه، ایران و حتی تا حدی در مورد اسرائیل اختلاف‌نظر دارند. به حاشیه‌راندن ژنرال بازنشسته، کیت کلاگ، فرستاده دولت برای اوکراین را در نظر بگیرید که دیدگاه او درباره کی‌یف با دیدگاه رئیس‌جمهور و معاونش متفاوت است. یا رسوایی سیگنال‌گیت، جایی که ونس در دقیقه ۹۰ درخواست تعویق حملات به حوثی‌های یمن را داشت چون احساس می‌کرد این حملات بی‌فایده و اتلاف منابع‌اند، اما نظر او رد شد.

اگر این درگیری واقعاً برخی از آشفتگی‌های ۱۰۰ روز اول را توضیح دهد، به‌طور فزاینده‌ای نشان می‌دهد که ترامپ نسبت به دور اول خود تمایل کمتری دارد بگذارد مشاورانش او را بچرخانند. گزارش‌هایی وجود دارد که والتز (زمانی که مشاور امنیت ملی بود) با این حقیقت که دیدگاهش اغلب با دیدگاه‌های رئیس‌جمهور متفاوت است، دچار چالش شده بود. لورا لومر، شخصیت تئوتیری در این میان توانست رئیس‌جمهور را متقاعد کند تا چندین نفر از کارمندان والتز در شورای امنیت ملی را به دلیل عدم وفاداری لازم و همسویی با نتومحافظه‌کاران اخراج کند. اگر این روند ادامه پیدا کند، ممکن است انتظار داشته باشیم دولت ترامپ به جای الگوی سوم از تفکر سیاست‌خارجی متعارف جمهوری‌خواهان، به الگوهای اول و دوم که در موردشان صحبت کردیم، روی آورد که هر دو مضمون صریح‌تر «اول آمریکا» را دارند. در عوض اخراج ناگهانی سه نفر از مقامات ارشد وزارت دفاع پیت هگست به دلایل نامعلوم ممکن است عکس آن را نشان دهد. با اینکه ممکن است باور این موضوع سخت به‌نظر برسد، دولت ترامپ حالا دزد روز اول خود را که آمریکایی‌ها تمایل دارند بر اساس آن دولت حاکم را قضاوت کنند، گذرانده است. در دور قبلی، بسیاری از بحران‌های اصلی و تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی بعد از این ۱۰۰ روز اتفاق افتادند و به دلایل متعددی هنوز خیلی زود است که بگوییم مسیر سیاست خارجی دولت به کجا می‌رود یا دیگر بازیگران مثل کنگره و دادگاه‌ها، برخی از زیاده‌روی‌هایی که در چند هفته گذشته دیده شده‌اند را تا چه حدی مهار می‌کنند. البته، مهم‌ترین مولفه سیاست خارجی ممکن است این باشد که الیت‌های سیاست خارجی جمهوری‌خواه می‌توانند ترامپ را به سمت تمایلات خود بچرخانند یا اینکه برعکس، او خواسته خود را بر آنها تحمیل کند. به همین دلیل، توصیف دکترین ترامپ تاکنون غیرممکن است.

اما این الگوها راهی برای ارزیابی درام سیاست خارجی بعد از ۱۰۰ روز اول را پیشنهاد می‌کنند. فعلاً به نظر می‌رسد که دو الگوی اول کاربرد بیشتری برای توضیح تصمیمات ترامپ دارند. اما فاکتورهای دیگر، از شک در سیاست خارجی تا رقابت‌های داخلی بر سر انتصابات، همچنان می‌توانند نقش قابل‌توجهی در شکل‌گیری جهت‌یابی کلی سیاست خارجی بازی کنند. موفقیت یا شکست در دستیابی به برخی از اهداف کلیدی که خود ترامپ تعیین کرده ممکن است سیاست‌گذاری را شکل دهد. به‌عنوان مثال، شکست مذاکرات با اوکراین ممکن است ترامپ را از نتومحافظه‌کاران سیاست‌واقعی که از همان ابتدا از مذاکرات حمایت کردند، دور کند؛ کمپین فاجعه‌بار بمباران علیه ایران ممکن است نتومحافظه‌کاران را برای همیشه بی‌اعتبار کند. فعلاً می‌توانیم بگوییم که ۴ سال آینده احتمالاً مثل ۱۰۰ روز اول پرهرج و مرج باشد.

سیاستمداران



موضع یمن تغییر نکرده

محمد عبدالسلام، سخنگوی جنبش انصارالله یمن در گفت‌وگو با شبکه المسیره یمن تأکید کرد که تفاهم با آمریکایی‌ها فقط شامل هدف قرار دادن کشتی‌های آمریکایی در ازای توقف تجاوز علیه یمن است و هیچ ارتباطی با عملیات جاری نیروهای مسلح یمن علیه دشمن صهیونیستی ندارد. وی اظهارداشت: «حمایت مردم یمن از غزه به‌شیوه‌ای بهتر توسعه خواهد یافت زیرا تجاوز آمریکا برای حمایت از دشمن صهیونیستی انجام شد و تفاهم اولیه با آمریکایی‌ها هیچ ارتباطی با موضع ما در حمایت از غزه ندارد.» او با بیان اینکه امکان ندارد عملیات یمن برای کمک به غزه متوقف شود، افزود: «آمریکایی‌ها خود را درگیر حمایت از دشمن صهیونیستی کردند و ما به آن‌ها پاسخ دادیم.» وی با بیان اینکه موضع یمن در مورد مسئله فلسطین و حمایت از غزه تغییر نخواهد کرد، گفت: «ما از طریق سلطنت عمان درخواست‌هایی از آمریکا دریافت کردیم و آنچه تغییر کرد موضع آمریکا بود و موضع ما بدون تغییر باقی مانده است.»



بیانیه مشترک اروپایی‌ها علیه اسرائیل

وزرای خارجه چند کشور اروپایی با انتشار یک بیانیه مشترک تصمیم رژیم صهیونیستی درباره گسترش عملیات‌ها در نوار غزه را شدیداً محکوم کردند. در این بیانیه آمده است، ما وزرای امور خارجه ایسلند، ایرلند، لوکزامبورگ، نروژ، اسلوونی و اسپانیا، نگرانی شدید خود را از گزارش‌هایی مبنی بر قصد اسرائیل برای گسترش عملیات نظامی در غزه و حضور بلندمدت نظامی در این منطقه اعلام می‌داریم. چنین اقدامی به‌منزله‌عبور از مرز دیگری است که نه‌تنها تشدید خطرناک در بحران به شمار می‌آید، بلکه چشم‌انداز هرگونه راه‌حل دو‌کشوری را نیز به خطر می‌اندازد. در ادامه این بیانیه مشترک آمده است، هرگونه تشدید بیشتر درگیری‌ها در غزه، تنها فاجعه انسانی موجود برای غیرنظامیان فلسطینی را وخیم‌تر می‌کند و جان‌گروگان‌های باقی‌مانده را به خطر می‌اندازد. ما قاطعانه هرگونه تغییر جمعیتی یا سرزمینی در غزه را، از جمله طرح‌هایی که به کوچ دائم ساکنان این منطقه منجر شود یا آن را تسهیل کند، رد می‌کنیم؛ چرا که این اقدامات ناقض حقوق بین‌الملل هستند.



حریدی‌ها کنست را تحریم کردند

روزنامه عبری هآرتس روز گذشته گزارش داد که احزاب حریدی رای‌گیری در مورد لوایح در پارلمان رژیم صهیونیستی (کنست) را تحریم کردند. این روزنامه گزارش داد که این تحریم رأی‌گیری، در اعتراض به تأخیر در تصویب قانونی است که حریدی‌ها را از انجام خدمت نظامی معاف می‌کند. در حالی که حریدی‌ها تهدید می‌کنند که فراخوان آنها برای خدمت نظامی منجر به سقوط کابینه می‌شود، رسانه‌های اسرائیلی گزارش دادند ایال زمیر، رئیس ستاد ارتش این رژیم به دلیل کمبود نیرو، دستور فراخوان هزاران یهودی افراطی حریدی برای خدمت در ارتش را صادر کرده است. این رسانه‌ها افزودند که زمیر روز گذشته به رئیس اداره نیروی انسانی ارتش دستور داده فراخوانی برای حضور ۵۰ هزار حریدی در ارتش را صادر کند که این علاوه بر فراخوان پیشین ۲۰ هزار نفر برای حریدی‌هاست. به نوشته رسانه‌های عبری‌زبان، این اقدام زمیر به احتمال زیاد طی ساعات و روزهای آتی بر جامعه اسرائیل و بقای کابینه بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم اشغالگر تأثیر خواهد گذاشت.